

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن گویا: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: موسسه مطبوعاتی نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۶ • چاپ: صمیم

شترخوار

سه‌شنبه ۲۰ مرداد ۱۴۰۵
۲۷ صفر ۱۴۴۸
• **۱۱ آگوست ۲۰۲۶**
• **سال بیست‌ودوم**
• **شماره ۸۰۵۴۴۹ صفحه**
اذان ظهرتهران ۱۲:۱۰
• **اذان مغرب ۱۹:۱۸**
• **اذان صبح فردا ۳:۰۲**
• **طلوع آفتاب ۵:۲۱**

روزها

روزتشکل‌ها

ومشارکت اجتماعی

نبی‌اله عشقی ثانی، **مدیرعامل شبکه ملی خبریه حامی اینتام**: براساس پیشنهاد تشکل‌های

مردم‌نهاد و تصویب شوروی عالی انقلاب فرهنگی، بیست‌ودوم مردادماه به عنوان روز تشکل‌ها و مشارکت اجتماعی نام‌گذاری شد تا در این روز از فعالیت‌های تشکل‌های مردم‌نهاد و نقش آنان در توسعه اجتماعی کشور تقدیر شود. واقعیت این است که اعلام شده حدود ۷۰ هزار مؤسسه خبریه و مردم‌نهاد با مجوز یکی از چهار دستگاه متولی، یعنی وزارت کشور، سازمان بهزیستی کشور، فراجا و وزارت ورزش و جوانان در مناطق مختلف کشور توسط اهل خیر و نیکوکاری تأسیس شده است. هریک براساس اساس نامه قانونی ثبت‌شده در موضوعات مختلف اجتماعی در مسیر حمایت و توانمندسازی اقشار آسیب‌پذیر جامعه و دیگر گروه‌های اجتماعی با توجه به اهداف تعیین‌شده خدمات ضروری به جامعه هدفی که در اساس‌نامه‌شان مشخص شده است ارائه می‌دهند. مؤسسه‌های مردم‌نهاد توسط هیئت امنایی که مؤسس و بنیان‌گذار خبریه‌ها هستند، طی تشریفات قانونی و بررسی صلاحیت‌های مؤسسين و هیئت‌مدیره و ثبت مراحل قانونی آن در اداره ثبت شرکت‌ها، تأسیس می‌شوند. منابع مالی تشکل‌های مردم‌نهاد خبریه بعضاً با محوریت یکی از افراد یا خانواده‌های متمول تأمین شده، ولی با مشارکت افراد هم‌فکر و علاقه‌مند به فعالیت‌های خیر‌خواهانه و نیکوکارانه تأسیس می‌شود. بعد از تأسیس، رای استمرار فعالیت و تأمین هزینه‌های خدمت‌رسانی به طریق متساوت با دعوت از عموم مردم علاقه‌مند بودجه لازم برای تأمین هزینه‌های مختلف اداری و خدمت‌رسانی به اقشار مشخص‌شده برنامه‌های متفاوتی به اجرا گذاشته می‌شود. متأسفانه از یک سو هزینه‌های خدمت‌رسانی و مساعدت به اقشار آسیب‌پذیر هر روز رو به افزایش است و از سوی دیگر، جامعه هدف مراجعه‌کننده به این مؤسسه‌ها و تشکل‌های مردم‌نهاد که به اختصار به آنها

سمن، به معنی سازمان مردم‌نهاد گفته می‌شود رو به افزایش است. پس ضرورت دارد هرکس به اندازه وسع و توانش هر ماه یا به مناسبت‌های مختلف و بر مبنای نیت خیرش به این تشکل‌ها کمک و مساعدت کند. یادآوری این نکته ضرورت دارد که با توسعه جوامع و افزایش بسیار زیاد افراد نیازمند، دیگر کمک‌های فردی پاسخ‌گوی نیازهای آنان نیست. ضمن آنکه مردم عادی نمی‌توانند خودشان نیازمند واقعی را تشخیص دهند. در حالی که خبریه‌ها با بهره‌گیری از خدمات مددکاران اجتماعی که دارای دانش کافی برای تشخیص نیازمندان وتوانمندسازی گروه‌های نیازمند هستند که باید از زحمات‌شات تقدیر و تشکر کرد، به‌راحتی می‌توانند افراد نیازمند را تشخیص دهند. سازمان امور مالیاتی بر عملکرد مالی خبریه‌ها کاملاً نظارت دارد. یادآور می‌شود در چند سال اخیر به همت سازمان اوقاف و امور خیریه برای توسعه و تقدیر از مؤسسه‌های خبریه برتر در سراسر کشور با مشارکت برخی از دستگاه‌های ذی‌ربط و شبکه‌های خیریه اقدام به برنامه‌ریزی و سازماندهی کرده است و همه‌ساله با اهدای نشان نیکوکاری به تشکل‌های مردم‌نهاد برتر در توسعه فرهنگ خیرخواهی و تقویت شیوه‌های کمک‌رسانی علمی و صحتی نقش ارزنده‌ای را عهده‌دار شده است. این‌جانب نیز افتخار دارم با عضویت در شورای سیاست‌گذاری نشان نیکوکاری، در این مسیر نقشی بر عهده دارم؛ خداوند توفیق عنایت فرماید.

هنرخوانی

سازمان سینمایی وفاصله‌با سینماگران

این روزها، خواسته سینماگران حذف پروانه ساخت است؛ حذف سانسور است. در نشست دیروز رئیس سازمان سینمایی مهر از راند درازده درباره فیلم‌های زیرزمینی پرسیده شده بود. این مسئول با تأکید بر تعامل و بازنگری در پروسه صدور مجوزها، گفت: «وقتی فیلم تولید می‌شود، توسط پخش‌کننده یا فیلم‌ساز ارسال می‌شود. قطعا فیلمی که به عنوان نماینده ایران حضور داشته باشد باید فرایند قانونی را طی کرده باشد. اینکه آیا آثاری خارج از این فرایند تولید می‌شوند باید گفت بله، چنین آثاری در جشنواره‌ها حضور دارند و تعداد دقیقی را نمی‌دانم. اگر فرایند صدور مجوز به صورت شفاف صورت بگیرد تا فیلم‌سازان مسیر راحت‌تری داشته باشند، قطعاً این فاصله کنار خواهد رفت.»

روزنامه‌نگاری در ایران امروز، به آزمونی دشوار برای حرفه‌ای‌گری، استقلال و مسئولیت اجتماعی تبدیل شده است. روزنامه‌نگار باید هم‌زمان با دستمزدهای ناکافی، امنیت شغلی شکننده، محدودیت دسترسی به اطلاعات و نگرانی از پیام‌های حقوقی و قضائی کار کند. در چنین شرایطی، چگونه می‌توان از روزنامه‌نگار انتظار داشت در چنین محیطی، همچنان با آرامش و استقلال برای کشف حقیقت تلاش کند؟ البته مشکل روزنامه‌نگاری در ایران را نباید فقط در جدول حقوق و دستمزد جست‌وجو کرد. مسئله عمیق‌تر از این است. روزنامه‌نگار هنوز جایگاه واقعی خود را در نظام حکمرانی پیدا نکرده است. اگر حکمرانی شفاف، پاسخ‌گو و ضدفساد می‌خواهیم، باید روزنامه‌نگار حرفه‌ای را بخشی از سازوکار نظارت عمومی بدانیم. روزنامه‌نگار تحقیقی یکی از کم‌هزینه‌ترین ابزارهای پیشگیری از فساد است؛ زیرا بسیاری از تخلفات پیش از آنکه به بحران تبدیل شوند، در گزارش‌های دقیق و بیگیرانه روزنامه‌نگاران آشکار می‌شوند. اما وقتی روزنامه‌نگار می‌داند انتشار یک گزارش حساس ممکن است بیش از مقصد برای او هزینه داشته باشد، طبیعی است انگیزه ورود به پرونده‌های دشوار کاهش پیدا کند. روزنامه‌نگاری که نگران از دست‌دادن شغل، قرارداد یا مواجهه با برخورد‌های حقوقی است، بخشی از انرژی خود را به جای کشف حقیقت، صرف حفظ موقعیت حرفه‌ای خود می‌کند. اینجاست که مسئله روزنامه‌نگار از یک مسئله صنفی به مسئله‌ای در حوزه منافع عمومی تبدیل می‌شود.

آمارهای موجود نیز نشانه‌های نگران‌کننده‌ای دارد. در یک سال گذشته، بر اساس بررسی اجمالی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران، بیش از ۱۰۰ روزنامه‌نگار فقط در تهران شغل خود را در دست داده‌اند. این اتفاق فقط به معنای بیکارشدن تعدادی روزنامه‌نگار نیست. هر روزنامه‌نگاری که از چرخه حرفه‌ای خارج می‌شود، بخشی از ظرفیت تولید اطلاعات معتبر و نظارت اجتماعی نیز از دست می‌رود. نتیجه نهایی، تضعیف مرجعیت رسانه‌ای است. این مسئله در شرایط بحران و جنگ اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. روزنامه‌نگاران ایرانی در جنگ اخیر، در شرایط دشواری فعالیت کردند و بسیاری از آنان مسئولانه و حرفه‌ای کوشیدند وظیفه خود را انجام دهند. اما هم‌زمان باید یک واقعیت را پذیرفت: بخش بزرگی از فضای اطلاع‌رسانی در اختیار رسانه‌های حاکمیتی قرار داشت و امکان فعالیت مستقل و حرفه‌ای برای رسانه‌های غیردولتی محدود بود. در نتیجه، بخشی از رسانه‌های مستقل عملاً از تولیدکننده خبر به بازنشرکننده محتوایی تبدیل شدند که جای دیگری



قادیاستانی تبریزی

تولید شده بود. این وضعیت یک خطای راهبردی است. در شرایط بحران، تنوع رسانه‌ای می‌تواند بخشی از ظرفیت امنیت ملی باشد. رسانه مستقل حرفه‌ای می‌تواند روایت‌های مختلف را بررسی، اطلاعات را راستی‌آزمایی، از زوایای متفاوت به یک رویداد نگاه و پرسش‌هایی را مطرح کند که رسانه رسمی شاید امکان یا انگیزه طرح آنها را نداشته باشد. جامعه‌ای که فقط با یک روایت مواجه شود، لزوماً جامعه‌ای مطمئن‌تر نیست؛ گاهی برعکس، مستعدتر برای بی‌اعتمادی و پذیرش روایت‌های بیرونی است. قطع یا محدودشدن اینترنت نیز این مسئله را تشدید می‌کند. اینکه برای روزنامه‌نگار امکان دسترسی ویژه به اینترنت فراهم شود اما بخش بزرگی از مخاطبان او امکان دسترسی آزاد و عادی به اطلاعات نداشته باشند، نمی‌تواند راه‌حل مسئله ارتباطی کشور باشد. رسانه زمانی معنا پیدا می‌کند که میان تولیدکننده و مخاطب، یک شبکه ارتباطی قابل اعتماد و پایدار وجود داشته باشد.

اگر قرار است مرجعیت رسانه‌ای کشور بازسازی شود، باید رسانه‌های حرفه‌ای و مستقل را به رسمیت شناخت و برای فعالیت آنها در شرایط عادی و بحرانی، قواعد روشن و قانونی تعریف کرد. روزنامه‌نگار باید بداند چه اطلاعاتی واقعاً محرمانه است، چرا محرمانه است و چه حدودی برای انتشار آن وجود دارد. اصل نباید بر محدودیت باشد و استثنا بر آزادی، بلکه باید چارچوب‌های حرفه‌ای و قانونی روشن، جایگزین ابهام و محدودیت‌های سلیقه‌ای شود. در کنار این مسائل، معیشت روزنامه‌نگاران نیز دیگر قابل چشم‌پوشی نیست. روزنامه‌نگاری با قراردادهای کوتاه‌مدت، دستمزد ناکافی و امنیت شغلی پایین، نمی‌تواند به یک حرفه پایدار تبدیل شود. صاحبان رسانه‌های مستقل با سبلی صورت را سرخ نگه داشتند. دولت باید از رسانه‌های مستقل حمایت کند و سازوکار این حمایت باید شفاف، قابل سنجش و غیرتبعیض‌آمیز باشد. مشخص باشد کدام رسانه، بر اساس چه

حقوق خوانی

شایعه‌ای که واقعیت شد



ابراهیم یوبی

وکیل دادگستری

نیروهای مسلح، مسؤول امور برنامه و بودجه، دو نماینده به انتخاب رهبری، وزرای امور خارجه، کشور و اطلاعات و حسب مورد عالی‌ترین مقام ارتش و سپاه، ریاست شورا یا رئیس جمهوری است. سوم، در قانون اساسی، تشکیلاتی به نام «دیرخانه شورای عالی امنیت ملی» یا سمنی با عنوان «دیر شورای عالی امنیت ملی» نمی‌بینیم؛ اما این مسئله مانع ایجاد نهاد دبیر خانه نیست. نکته‌ای مهم، پررنگ‌شدن جایگاه دبیر شورای عالی امنیت ملی در مدیریت کلان کشور است. از سالان ۱۳۸۲ و با به جریان افتادن پرونده فعالیت‌های هسته‌ای ایران در مجامع بین‌المللی، مدیریت موضوع به حسن روحانی، دبیر وقت شورا سپرده شد و تا امروز این سمت در روابط بین‌الملل به موازات هفت امور خارجه به نقش افرینی می‌پردازد. چهارم، تشکیل شوراهای فرعی وزارت امور خارجه و شورای عالی امنیت ملی می‌تواند به تناسب نیاز «شورای اختیاری است و شورای عالی امنیت ملی می‌تواند به تناسب نیاز «شورای دفاع» یا «شورای امنیت کشور» را تشکیل دهد. در نتیجه امکان دارد این شوراهای فرعی در صورت رفع ضرورت، منحل شوند. واژه «از قبیل» در اصل ۱۷۶، نشانگر این است که هیچ محدودیتی برای ایجاد شوراهای فرعی دیگری در صورت نیاز، وجود ندارد. پنجم، در ۱۶ مرداد سال گذشته، مقام رهبری طی دو حکم، ابتدا علی لاریجانی را جایگزین علی‌اکبر احمدیان به عنوان یکی از دو نماینده خود در «شورای عالی امنیت ملی» و سپس علی شمخانی و علی‌اکبر احمدیان را به عنوان نماینده در «شورای دفاع» منصوب کردند.

آسمان خوانی

۴پدیده در یک شب

هیچ آلودگی نوری آسان است.

خورشیدگرفتگی کامل:قرار است چهارشنبه، ماه از مقابل خورشید عبور کند و یک خورشیدگرفتگی کامل شکل گیرد. این رویداد در کل یک ساعت و نیم طول می‌کشد. سایه ماه خورشید را در مسافتی معادل ۸۲۶۰ کیلومتر می‌پوشاند که بخش اعظم آن اقیانوس آرام خالی از سکنه است. حداکثر خورشیدگرفتگی کامل در سواحل غربی ایسلند رخ می‌دهد و هنگامی که این رویداد به بخش کوچکی از برتغال و اسپانیا می‌رسد، مدت‌زمان آن به حدود یک دقیقه کاهش می‌یابد. این رویداد ددینی در مدیترانه پایان می‌یابد؛ خورشیدگرفتگی‌ای که در ۱۰۰ سال گذشته شبیه آن رخ نداده است. این خورشیدگرفتگی در ایران قابل مشاهده نیست.
بازه زمانی آن در ایران تقریباً از ساعت ۲۱:۴۵ تا ۲۱ مرداد تا



کنارک شهری در استان سیستان وبلوچستان در کرانه باختری خلیج چابهار و در ساحل دریای مکران قرار گرفته است. زندگی در شهر بندری کنارک همواره میان دریا و خشکی در نوسان بوده، بندر چیزی فراتر از پهلوگاه قایق‌هاست. فضایی که خاطره، معاش و هویت در آن شکل می‌گرفته، پیش از آنکه سایه جنگ بر آن بیفتد.

عکس: محسن رضانی، ایرنا

instagram:sharghdaily1
twitter:sharghdaily
youtube:sharghdaily
Telegram:SharghDaily
apararat:tasvirshargh
www.sharghdaily.com

قلم‌های خسته، چشم‌های بسته

شاخص‌هایی و به چه میزان از حمایت عمومی برخوردار می‌شود و این اطلاعات به‌صورت منظم در اختیار افکار عمومی قرار گیرد. حمایت از رسانه نباید به ابزار وابسته‌کردن رسانه تبدیل شود. حمایت واقعی زمانی معنا دارد که استقلال حرفه‌ای رسانه را تقویت کند. نه اینکه آن را به دریافت‌کننده دائمی منابع دولتی تبدیل کند. در کنار حمایت از رسانه‌ها، بیمه، قراردادهای کاری، حقوق قانونی و حمایت حقوقی از روزنامه‌نگاران نیز باید جدی گرفته شود. روزنامه‌نگاری که دغدغه نان دارد، دشواری می‌تواند با آرامش برای حقیقت بجنگد. با این‌همه، مسئولیت فقط برعهده حاکمیت و مدیران رسانه نیست. روزنامه‌نگاران نیز در برابر جامعه مسئولیت دارند. در دوره‌ای که شبکه‌های اجتماعی، هوش مصنوعی و شبهه‌رسانه‌ها مرز میان خبر و شایعه را کمرنگ کرده‌اند، مهم‌ترین سرمایه روزنامه‌نگار حرفه‌ای، اعتماد است. راستی‌آزمایی، سنجش منابع، پرهیز از هیجان‌زدگی و مقاومت در برابر سوسه‌سوسه کلیک و دیده‌شدن، همان چیزهایی است که روزنامه‌نگاری حرفه‌ای را از تولیدکنندگان انبوه محتوا جدا می‌کند. امروز بیش از هر زمان دیگری به روزنامه‌نگار حرفه‌ای نیاز داریم. اگر رسانه‌های شناسنامه‌دار و روزنامه‌نگاران حرفه‌ای تضعیف شوند، میدان خالی نمی‌ماند؛ این میدان را شبهه‌رسانه‌ها، شایعه‌سازان و کسانی پر خواهند کرد که ممکن است رسانه را نه برای اطلاع‌رسانی، بلکه برای کسب قدرت، منافع اقتصادی، تشویش افکار عمومی یا حتی اخاذی بخواهند. القصه، جامعه‌ای که روزنامه‌نگار حرفه‌ای و مستقل نداشته باشد، دیر یا زود هزینه نبودن او را خواهد پرداخت که نه‌فقط در کاهش شفافیت و گسترش شایعه و فساد، بلکه در فرسایش اعتماد عمومی و تضعیف سرمایه اجتماعی خود را نشان خواهد داد. خلأ روزنامه‌نگار را نمی‌توان با انبوه محتوا، بازنشرهای بی‌نام‌ونشان و روایت‌های رسمی پر کرد. از این رو، روزنامه‌نگار را باید به رسمیت شناخت؛ نه به عنوان روایت‌عمومی دستگاه‌ها، نه تکرارکننده اخبار رسمی و نه موی دماغ مدیران، بلکه به عنوان یکی از ارکان شفافیت، پاسخ‌گویی و سلامت حکمرانی. جامعه‌ای که از پرسش روزنامه‌نگار ترسد، از خطاهای خود آگاه‌تر و برای اصلاح آنها آماده‌تر خواهد بود. ساختار سالم از روزنامه‌نگاری مستقل زیان نمی‌بیند؛ آنچه از حضور روزنامه‌نگار حرفه‌ای زیان می‌بیند، تاریکی پنهان‌کاری، فساد و بی‌پاسخ‌گویی است.

روزنامه‌نگار دشمن حکمرانی نیست؛ چشم حکمرانی بر جامعه و چشم جامعه بر قدرت است. اگر این چشم را ببندیم، حقیقت ناپدید نمی‌شود؛ فقط دیگر کسی آن را به‌موقع نخواهد دید.

یادداشت

وقتی دولت آینده را

روایت نمی‌کند

کامران یگانگی

دکترای آینده‌پژوهی

گفت‌وگوی اخیر رئیس‌جمهور یزشکیان با مردم را نباید صرفاً مجموعه‌ای از توضیحات درباره اقتصاد، انرژی، روابط خارجی یا مسائل اجرایی دانست. این گفت‌وگو، در واقع تلاشی برای روایت منطق حکمرانی دولت در مواجهه با مجموعه‌ای از بحران‌های هم‌زمان بود؛ روایتی که نشان می‌دهد دولت چگونه شرایط کنونی کشور را درک می‌کند و چه منطقی را برای اداره آن برگزیده است. در این گفت‌وگو، دولت تصویری از کشوری ارائه می‌کند که در معرض جنگ، تحریم، ناترازی‌های اقتصادی، بحران انرژی، کمبود آب و فشارهای خارجی قرار داشته و در چنین شرایطی، تلاش کرده است تداوم اداره کشور و ارائه خدمات عمومی را حفظ کند.

این روایت، بیش از آنکه بر دستاوردهای اقتصادی یا شاخص‌های رشد تکیه داشته باشد، بر توانایی نظام حکمرانی در حفظ ثبات و استمرار عملکردهای حیاتی کشور استوار است. از این منظر، اگرچه واژه «تاب‌آوری» در گفت‌وگو به‌صراحت بیان نمی‌شود، روح حاکم بر آن همان منطق حکمرانی تاب‌آور است؛ یعنی حفظ انسجام نهادی، جلوگیری از اختلال در خدمات عمومی و افزایش ظرفیت کشور برای عبور از فشارهای بیرونی. در کنار این رویکرد، برخی محورهای مطرح‌شده در گفت‌وگو نیز از منظر اصلاح حکمرانی قابل توجه‌اند. تأکید بر شایسته‌سالاری به‌جای سهم‌خواهی سیاسی، واگذاری اختیارات بیشتر به استان‌ها، اصلاح نظام بانکی، توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر و تکمیل کربورهای حمل‌ونقل، همگی نشان می‌دهد دولت در پی اصلاح برخی سازوکارهای اداره کشور است. این رویکرد، اگر با اصلاحات نهادی همراه شود، می‌تواند زمینه ارتقای کارآمدی حکمرانی را فراهم کند. اما درست در همین نقطه، مهم‌ترین خلا گفت‌وگو آشکار می‌شود. دولت مسیر عبور از بحران را توضیح می‌دهد، اما مقصد این مسیر را کمتر ترسیم می‌کند. امروزه دولت‌ها فقط با قانون، بودجه و تصمیمات اجرایی حکومت نمی‌کنند؛ آنها «ا روایت آینده» نیز حکمرانی می‌کنند. روایت آینده‌پلی است میان تصمیم‌های امروز و امیدهای فردا. اگر جامعه نداند اصلاحات امروز قرار است آن را به چه آینده‌ای برساند، حتی در‌سرت‌ترین سیاست‌ها نیز ممکن است صرفاً به عنوان مجموعه‌ای از محدودیت‌ها، صرفه‌جویی‌ها و هزینه‌ها تلقی شوند. اینجاست که تفاوت میان «حکمرانی بحران» و «حکمرانی آینده»

آشکار می‌شود. حکمرانی بحران، بر کنترل آسیب‌ها، حفظ ثبات و مدیریت شرایط دشوار تمرکز دارد، اما حکمرانی آینده، توانایی تبدیل مدیریت مسائل جاری به یک نقشه راه روشن درباره آینده اقتصاد، فناوری، جامعه و جایگاه بین‌المللی کشور است. این نوع حکمرانی، علاوه بر مدیریت امروز، تصویری باورپذیر از فردا نیز ارائه می‌دهد؛ تصویری که بتواند امید اجتماعی، اعتماد عمومی و مشارکت شهروندان را تقویت کند. در گفت‌وگوی اخیر، این روایت آینده کمتر دیده می‌شود. دولت توضیح می‌دهد چگونه می‌خواهد نাত্রازی انرژی را کاهش دهد یا ساختارهای اجرایی را اصلاح کند. اما کمتر به این پرسش پاسخ می‌دهد که کشور چگونه به بازنگری مؤثر در کربورهای منطقه‌ای و زنجیره‌های ارزش جهانی تبدیل خواهد شد و کیفیت زندگی شهروندان بر اساس چه شاخص‌هایی بهبود خواهد یافت. امروز رقابت کشورها فقط بر سر مدیریت بحران نیست؛ رقابت اصلی بر سر توانایی خلق آینده است. دولت‌هایی که بتوانند آینده‌ای روشن، قابل سنجش و دست‌یافتنی را برای جامعه روایت کنند، سرمایه اجتماعی بیشتری به دست می‌آورند و همراهی عمومی با اصلاحات را افزایش می‌دهند. از این رو، شاید مهم‌ترین گام تکمیلی برای دولت، نه صرفاً ارائه گزارش عملکرد یا تشریح چگونگی عبور از بحران، بلکه تدوین و روایت یک «تصویر ملی از آینده ایران» باشد؛ تصویری که دارای چند ویژگی اساسی باشد: زمان‌مند و قابل سنجش، مبتنی بر ظرفیت‌های واقعی کشور، پیوندخورده با اقتصاد دانش‌بنیان، هوش مصنوعی و ژئواکونومی و در نهایت، مرتبط با بهبود ملموس کیفیت زندگی مردم. مردم فقط برای عبور از بحران هزینه نمی‌دهند؛ آنان زمانی با اصلاحات همراه می‌شوند که مقصد این مسیر را نیز ببینند. در عصر رقابت بر سر آینده، موفقیت دولت‌ها نه‌فقط در توانایی مدیریت بحران‌های امروز، بلکه در قدرت آنان برای روایت آینده‌ای است که جامعه حاضر باشد برای تحقق آن سرمایه‌گذاری، مشارکت و صبوری کند.